

## جناب آقای آنتونیو گوترش دیرکل سازمان ملل متحد

سلام علیکم؛

با توجه به جنایات گروهک تروریستی منافقین و تداوم ماهیت تروریستی آن از یک طرف و تردد آزادانه عوامل این گروهک در برخی کشورهای اروپایی، مایلیم مطالبی را در این خصوص با جنابعالی در میان بگذارم. جمهوری اسلامی ایران از بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۷ تا به امروز، یکی از بزرگترین قربانیان تروریسم و جولانگاه گروه های تروریستی داخلی و خارجی بوده و در این مدت، هزاران انسان بی گناه به دست آنان شهید و یا به شدت مجروح شده اند. گروه های تروریستی تمامی اقشار جامعه را از زن و مرد، کودک، پیر، و دانشمندان هدف قرار داده اند.

در این میان، بیشترین ترورها که مصداق جنایت علیه بشریت است، توسط گروهک تروریستی منافقین در ایران انجام شده است. این گروهک از همان آغاز انقلاب اسلامی با انجام انفجار در مراکز شلوغ شهرها، ترور مسئولان کشور، حمله به افراد با اسلحه و چاقو، آدم ربایی و شکنجه مردم و خیانت به کشور از طریق جاسوسی برای رژیم بعث صدام، به نوعی شروع به انتقام از مردم بی گناه نمود؛ به طوری که از ۱۷ هزار شهید ترور در ایران، ۱۲۰۰۰ نفر توسط عوامل این گروهک به شهادت رسیده اند.

در معرفی منافقین همین بس که مهمترین اولویت و مبنای اصلی عملکرد آن، ترور و قتل افرادی است که با آنان هم نظر نبوده و آنان را منکر می شدند. این مسئله را می توان به طور مشهود، در اسناد و بیانیه های منتشره توسط آنان مشاهده نمود. حال آنکه قتل و کشتن افراد بی گناه آن هم به شیوه های ناجوانمردانه، مانند بمب گذاری در مراکز تجمع غیرنظامیان، آشکارترین و فاحش ترین نقض حقوق بشر می باشد. بر همین اساس، عوامل این گروهک در سال ۱۳۶۰ دست به ترور و کشتار مسئولین کشور از جمله رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس قوه قضائیه، وزراء، نمایندگان مجلس، روحانیون برجسته کشور و شهروندان ایرانی در مقیاس گسترده ای زدند. منافقین پس از ترور شخصیت های کشور در سال ۱۳۶۰، روی به سمت کشتار مردم بی گناه آورده و تنها بین سال های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷، بیش از ۱۲ هزار نفر از مردم را به شهادت رساندند که اسامی و اسناد آنها موجود است. از دیگر جرائم این گروهک، خیانت به کشور و جاسوسی برای دولت های متخاصم می باشد. این گروهک در جریان تجاوز رژیم بعث عراق به ایران، اطلاعات مختلفی از جمله محل تجمع شهروندان را برای موشک باران به این رژیم منتقل می نمود.

مردم بی گناه دیگر کشورهای منطقه از جمله عراق و سوریه نیز شاهد جنایت های این گروهک بوده اند. نیروهای منافقین، پس از استقرار در عراق و در همکاری با رژیم صدام، جنایات گسترده ای علیه اقوام مختلف این کشور از جمله شیعیان و اکراد مرتکب شدند. تنها در یکی از جنایات ها که به "انفال کردها" مشهور است و از فوریه تا سپتامبر ۱۹۸۸ در استان های کرکوک، دیاله، نینوا و صلاح الدین اجراء شد، بیش از ۳۰۰۰ روستا نابود و بیش از ۱۸۲ هزار جمعیت بی دفاع با همکاری نیروهای منافقین به طرق فجیعی از جمله زنده به گور کردن، بریدن سر، تیرباران های جمعی و سوزاندن به قتل رسیدند. این گروهک، همچنین پس از آغاز فعالیت گروه های تروریستی در سوریه و عراق از سال ۲۰۱۱، همراه با تروریست ها در سوریه، دست به کشتار گسترده مردم سوریه زده و ضمن آموزش نیروهای تروریستی، جنایات گسترده ای را در این منطقه انجام دادند.

سران این گروهک جنایتکار نه تنها به مخالفین خود رحم ننموده و آنها را به طرز فجیعی به قتل می رسانند، بلکه به نیروهای تحت فرمان و عضو سازمان خود نیز رحم نکرده و ضمن وضع قوانین داخلی بسیار سخت، افراد نقض کننده این قوانین را به طرق دردناکی از جمله انداختن در سیاهچال، اعدام، عقیم نمودن، شکنجه های وحشتناک، عدم ملاقات همسر تا چندماه، و دور نگه داشتن کودکان از والدین به مدت طولانی تنبیه می کنند. سرکرده قبلی این گروهک به منظور مطیع نگه داشتن زنان عضو، ضمن اعمال قوانین سخت،

بسیاری از آنان را عقیم نموده و در اقدامی غیر انسانی و غیر اخلاقی، برخی از زنان را وادار به جدایی از همسر و اجبار به ازدواج با خود نموده است.

متأسفانه، با این حال شاهد آن بوده و هستیم که این نهاد تروریستی با چنین کارنامه سیاهی، از همان ابتدا در برخی کشورهای اروپایی تشکیلات اداری داشته و عوامل آن علیرغم درخواست های بی شمار و مستند جمهوری اسلامی، بدون هیچ محدودیت و پیگرد قضائی، آزادانه در کشورهای اروپایی تردد نموده و برخی از این کشورها تبدیل به مکانی امن برای آنان شده اند.

با توجه به مصونیت اعطایی از سوی کشورهای غربی به این گروهک و پهن نمودن فرش قرمز برای حضور در جلسات و نشست های دولت و پارلمان و حتی حمایت مادی و معنوی از آنان، در کمال تأسف مدتی است شاهد آن هستیم که سران این نهاد جانی و خطرناک، چهره حقوق بشری به خود گرفته و خود را حامی حقوق بشر معرفی می نمایند.

در اسناد رسمی منتشره از سوی نهادهای دولتی و امنیتی وابسته به کشورهای غربی، بارها به ماهیت تروریستی گروهک منافقین اذعان شده و از سوی این نهادها تحریم شده اند. به عنوان مثال، در گزارش منتشره از سوی اداره تحقیقات فدرال آمریکا در سال ۲۰۰۴، ضمن اشاره به اینکه این نهاد در فهرست گروه های تروریستی قرار دارد، آمده است که شورای ملی مقاومت (منافقین)، تروریسم را به عنوان ابزاری جهت مقابله با حکومت ایران می داند. در گزارش دادگاه استیناف منطقه کلمبیا آمریکا در ژوئیه ۲۰۱۰ نیز آمده است که این نهاد به برخی نیروهای زن خود، آموزش عملیات انتحاری داده است. کانادا تا سال ۲۰۱۲ این گروه را در فهرست گروه های تروریستی قرار داد. اتحادیه اروپا نیز تا سال ۲۰۰۹ هر سال نام این گروه را در فهرست گروه های تروریستی قرار می داد و تا پیش از آن، اسناد و بیانیه های فراوانی از سوی مقامات مختلف کشورهای اروپایی در اذعان به تروریستی بودن این نهاد منتشر می شد.

پس از خروج مشکوک، تأسف بار و سیاسی نام این گروهک از فهرست گروه های تروریستی اتحادیه اروپا، متأسفانه مشاهده می شود برخی نمایندگان پارلمان اروپایی و همچنین مقامات دولتی و نمایندگان پارلمان کشورهای اروپایی، ضمن نادیده گرفتن دروغ پردازی های آشکار این گروهک در مسئله حقوق بشر و همچنین جنایات ارتكابی، با موضع گیری و صدور بیانیه از این نهاد تروریستی حمایت می کنند.

دروغ پردازی های این سازمان در دفاع از حقوق بشر و مخالفت با اعدام را می توان علاوه بر نگاه به گذشته آنها، در بیانیه سرکرده این گروهک تروریستی در دوم نوامبر ۲۰۱۴ مشاهده نمود. وی در این بیانیه از تمامی هواداران خود خواست نه تنها مقامات جمهوری اسلامی و مخالفان خود را ترور کرده و به قتل برسانند، بلکه از آنان خواسته است تا آن دسته از اعضای سازمان را که توانسته اند از این سازمان فرار کنند، دستگیر و به قتل برسانند. در تایید ماهیت ضد حقوق بشری این گروهک، همچنین می توان به سندی که اخیراً (۴ فوریه ۲۰۲۲) مبنی بر همکاری سرکرده سابق این گروهک با سازمان اطلاعات و امنیت رژیم شاه موسوم به ساواک منتشر شد، اشاره کرد. برابر این سند، فرمانده سابق این گروهک نه تنها عامل ساواک در شناسائی، قتل و کشتار مردم مخالف رژیم شاه بود، بلکه حتی نسبت به اعضای گروهک خود نیز رحمی نشان نمی داد. هر انسان آزاده و پاک سرشت، با نگاهی اجمالی به حقایق بالا، این سوال اساسی و جدی به ذهنش خطور می کند که چگونه برخی کشورهای که مدعی دفاع از حقوق بشر و مبارزه با تروریسم هستند، گروهی که دستش به خون هزاران زن و کودک بی گناه در ایران، سوریه و عراق آلوده است، زنان را زندانی و شکنجه می کند، رحم های آنان را بیرون کشیده و عقیم می کند، آنان را وادار به طلاق و دختران را وادار به ازدواج اجباری می نماید، مدافع حقوق بشر می نامند؟! چگونه می توان این تناقض را توجیه نمود؟!

گسترش مصائب و خطرات تروریسم و شیوع آن به کشورهای اروپایی و همچنین پیامدهای منفی برآمده از آن، ضرورت عزم جدی واقعی در مبارزه با آن را بیش از پیش روشن ساخته است. دیدگاه دوگانه در مسئله حقوق بشر و نگاه ابزاری به آن، و حمایت از گروهکی که سالیان سال دستانش به خون هزاران نفر آلوده می باشد و نفرت آنها در دل مردم ایران نهادینه شده است، به هیچ وجه قابل پذیرش نمی باشد.

لذا، از جنابعالی درخواست می‌کنم تا با در نظر گرفتن جنایات های گسترده ارتكابی توسط گروهک تروریستی منافقین، ضمن اقدام جدی برای جلوگیری از فعالیت آزادانه عناصر این گروهک تروریستی در اروپا و کشورهای مناطق دیگر و همچنین تردد و حضور در سازمان های بین المللی تحت عناوین پوششی، سران و عوامل جنایتکار آن را به پای میز محاکمه کشانده و پاسخگو نمایید.

در پایان، به منظور آشنایی بیشتر با ماهیت واقعی این گروهک و گوشه ای از جنایات ارتكابی آن، از جنابعالی دعوت می‌کنم تا به فایل های الکترونیکی پیوست مراجعه نمائید.

کاظم غریب آبادی  
دبیرکل سناد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران